

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت
سال هفتم، بهار ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۲۳

جایگاه عدالت و پیشرفت در مدینه فاضله حضرت مهدی (عج)

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۲۰

حبیب زمانی محبوب*

در معارف شیعه، تاریخ بشر فرجامی خجسته دارد و در موعد مقرر با تشکیل حکومت حضرت مهدی (عج) «مدینه فاضله» برپا خواهد شد. هدف این نوشتار تبیین شاخص‌های دولت عدالت‌محور مهدی موعود، برای الگوبندی از آن در جامعه اسلامی ایران است.

در این نوشتار، با استفاده از آیات و روایات و با روش توصیفی - تحلیلی، عدالت و پیشرفت مدینه فاضله مهدوی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی (عج)، عدالت، پیشرفت، مدینه فاضله.

* استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

مقدمه

عدالت و پیشرفت از نیازهایی است که بشر همواره در پی آن بوده و برای رسیدن به آن کوشیده است. آنچه این واژه‌ها را در نظر انسان زیبا و باشرافت جلوه می‌دهد آرزوی دیدن عدالت و پیشرفت در تمام مناسبات زندگی است. بی‌گمان، این موضوع به طور کامل تحقق نمی‌یابد مگر در آرمانشهر مهدوی، که در این نوشتار به بررسی آن در برخی ابعاد و حوزه‌ها خواهیم پرداخت.

در زمانه‌ای که تمام راه‌های بشر مدعی عقلانیت و بی‌نیاز از دین به بن‌بست رسیده است و بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی و مانند آن رو به افزایش است، جا دارد آموزه‌های اعتقادی آرمانی و اصیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) - که در وحی ریشه دارد - به بشر امروز، که تشنه معارف ناب الهی است، به منزله نسخه‌ای شفابخش عرضه گردد.

پرسش اصلی در تحقیق حاضر این است که عدالت و پیشرفت در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به چه میزان و چگونه در حکومت حضرت مهدی تحقق می‌یابد؟

آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام - به‌مثابه اسنادی معتبر و دقیق - حکومت عدل مهدی موعود (عج) را به زیبایی ترسیم نموده و تحقق عدالت و پیشرفت را در آرمانشهر مهدوی نوید داده‌اند.

در این نوشتار، نخست، به مفهوم مدینه فاضله، عدالت و پیشرفت اشاره شده است. سپس، به بررسی عدالت و پیشرفت در جامعه برتر موعود در چهار حوزه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

۱. مدینه فاضله

«مدینه فاضله» یا «آرمانشهر» از نظر مفهومی به جامعه آرمانی و ایدئال انسان گفته می‌شود که ویژه مکانی خاص نیست. در واقع، مدینه فاضله هر جایی است که در آنجا همه مردم با نیک بختی و سعادت در کنار یکدیگر در صلح و آرامش به سر می‌برند، جایی که در آنجا از ظلم و فساد اثری نیست.

میل به کمال مطلوب غریزه‌ای است فطری که در نهاد بشر به ودیعه گذاشته شده است، تا آنجا که هر عملی از آدمی سر می‌زند در راستای این تمایل فطری و رسیدن به آن حلاً اعلا است. بر همین اساس، بشر همواره در ذهن خود دنیایی را ترسیم می‌نماید که در انتها درجه کمال و مطلوبیت باشد. اما از آنجاکه هر حرکت انسان در راستای تحقق آن مدینه فاضله زمینی به بن‌بست رسیده، به جای ترسیم آرمانشهر زمینی، آن را در آسمان پی می‌جوید. این تصوّر گاه به اندازه‌ای از واقعیات فاصله داشته و در گرداب خیال‌بافی و افسانه‌گویی غلطیده، که برخی آن را «ناکجاآباد»، پنداشته‌اند. (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷)

تامس مور (۱۴۷۷ - ۱۵۳۵)، متفکر انگلیسی کاتولیک در دوران رنسانس، با نگارش کتابی به نام «یوتوپیا» به توصیف این جزیره خیالی و ناکجاآباد می‌پردازد که در آن، با رویکردی اومانستی، همه گردونه‌های زندگی دنیوی بر گرد انسان می‌چرخد و مهم‌ترین شاخصه‌اش مالکیت عمومی، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و مسکن اشتراکی برای همه افراد جامعه است. (مور، ۱۳۶۱: ۷۴)

فوکویاما نیز، با طرح نظریه «پایان تاریخ»، نوید پیدایش عدالت و پیشرفت فراگیر در کشورهای دارای حکومت لیبرال دموکراسی را می‌دهد. (Fukuyama, 203: 1992) البته جنس ایده و نظر فوکویاما و تامس مور با نظریاتی مثل

آخرالزمان و مدینه فاضله شیعی متفاوت است.^۱

آرمانشهری که شیعه در فرهنگ مهدوی ترسیم می‌نماید زمینی و واقعی است و فرجام بشر در آن خجسته و مقرون به سعادت است (نور: ۵۵). بر همین اساس، جهانی که در اندیشه مهدوی ترسیم می‌گردد آرمانی و کمال مطلوب بوده، تمام فضایل و ارزش‌های والای بشری در آن تحقق می‌یابد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۲)

۲. عدالت

عدالت از ریشه عدل، در مقابل جور و ستم، و به معنای دادگری است. (دمخدا، ۱۳۷۳: ذیل «عدالت»؛ ابن منظور، بی‌تا: ذیل همسین واژه) در طول تاریخ، از عدالت تعبیر و برداشت‌های مختلفی ارائه شده و نظریه‌های گوناگونی درباره آن بیان شده است (ربک، جمشیدی، ۱۳۸۰)، اما نگاه دین مبین اسلام به عدالت با نظر همه مکاتب بشری متفاوت است.

بنابر آموزه‌های اسلامی، خداوند عادل است و همه افعال او عین دادگری و عدالت است. مسئله عدالت و پابرجایی آن در میان جامعه بشریت آنچنان ضروری و مهم است که خداوند پیامبران را برای اقامه عدل و قسط در میان امت‌ها مبعوث کرده است. (ربک، حدید: ۲۵) عدل و عدالت در مذهب شیعه اهمیتی ویژه دارد، به طوری که از اصول به‌شمار می‌آید. (خطیبی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۳)

۱. نظریه تامس مور که مدت‌هاست اعتبار خود را از دست داده است. وقایعی چون حملات غربی‌ها و آمریکا به کشورهای اسلامی عراق و افغانستان در سال‌های اخیر نیز بی‌اعتباری ایده «پایان تاریخ» فوکویاما را آشکار کرد. (نوذری ۱۳۹۱: ۱۱۹)

بنابر معتقدات اسلامی و شیعی، تحقق عدالت، این گوهر گمشده بشری، در مدینه فاضله مهدوی حاصل می‌آید. در خصوصیات حکومت امام زمان (عج) هیچ ویژگی به اندازه «عدالت و قسط» روشنی ندارد. (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۵: ۳۶)

۳. پیشرفت

پیشرفت در لغت به معنای جلو رفتن و حرکت به سوی مقابل و برتری داشتن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه «پیشرفت») از نظر اصطلاحی، پیشرفت حرکتی رو به جلو همراه با برنامه‌ریزی به سوی مقصدی مشخص است. بر این اساس، پیشرفت مفهومی هنجاری - دستوری است که با اصطلاحات دیگر مانند «تغییر» و «توسعه» متمایز است. پیشرفت دارای بار ارزشی است، در حالی که تغییر و تا حدودی توسعه فاقد این جنبه می‌باشد. پیشرفت واجد تمام جنبه‌های زندگی انسان - اعم از مادی و معنوی - است. از این نظر، پیشرفت جهت‌های فرهنگی، معنوی و اخلاقی دارد و از ابعادی متناظر و متناسب با فرهنگ یک جامعه برخوردار است که ممکن است الزاماً در تعریفی خاص نگنجد. با چنین برداشتی، پیشرفت با عدالت نیز همراه خواهد بود و، به عبارت بهتر، عدالت در ذات چنین برداشتی از پیشرفت، وجود دارد و معیار آن شمرده می‌شود. (میراحمدی ۱۳۹۰: ۲۶)

عدالت و پیشرفت اجتماعی

ایجاد عدالت و پیشرفت اجتماعی از شاخص‌ترین ویژگی‌های مدینه فاضله مهدوی است، چیزی که بشر همواره در آرزوی آن و به دنبال تحقق آن بوده است. عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در

ساحت اجتماعی است، عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند. (معین ۱۳۷۷: ذیل واژه «عدالت») در این تعریف، هر گروه و صنف و طبقه‌ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد.

از مهم‌ترین وجوه تحقق عدالت اجتماعی برقراری امنیت اجتماعی است که خود از شرایط رشد و تکامل فرد و جامعه می‌باشد. (ر.ک. حکیمی، ۱۳۸۱: بخش هشتم)

امنیت از نیازهای اولیه زندگی و یکی از مقوله‌هایی است که حاکمان و سیاستمداران پیوسته به آن توجه داشته‌اند. اما در همه نظام‌های سیاسی، غیبت دین در عرصه‌های فردی و اجتماعی سبب بی‌بهرگی مردم از مبنای اصلی امنیت (ایمان، طمأنینه و آرامش روانی) گردیده و همین امر نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های فراوان رفتار سیاسی و اجتماعی را برای آنها به ارمغان آورده است. از این رو، جوامع بشری برای ایجاد امنیت، ناگزیر مکانیسم‌ها و روش‌های گوناگونی را به کار می‌گیرند که به منظور سامان‌بخشی نظام زندگی و اداره جامعه، به آن نیازمنداند. تحقق مطلوب این هدف، نیاز به الگوی جامع و پیروی از شاخص‌های امنیتی آن دارد تا بیشترین بهره‌مندی افراد جامعه از مواهب امنیت را در پی آورد. در اندیشه اسلامی و شیعی، به‌رمندی کامل از مواهب امنیت تنها در مدینه فاضله مهدوی تحقق می‌پذیرد. (Nasr, 1987: 17)

ستون استوار مدینه فاضله مهدوی، برقراری امنیت همه‌جانبه بر مبنای ایمان در جامعه است، به گونه‌ای که جان و مال و حیثیت افراد از تجاوز در امان باشد. رسالت این حکومت جهانی تحقق امنیت برای همه شهروندان، به‌ویژه برای مظلومان و مستضعفان، است. در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج)

شرایط ناامنی بر جهان چیره است، باز گرداندن امنیت به جامعه در تمامی جنبه‌ها از بنیادی‌ترین کارهای آن حضرت (عج) به‌شمار می‌رود و یکی از نتایج دولت عدالت‌گستر مهدوی برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی است. امنیتی که امام مهدی (عج) در سطح جهان پدید می‌آورد امنیتی است که بشر مانند آن را ندیده است، زیرا در آرمانشهر عدالت بنیاد مهدوی، همه معیارهای نادرست و غیرانسانی به یک‌سو می‌رود و قانون‌شکنی‌ها و اعمال نفوذها از درون جامعه برچیده می‌شود و سمت و سوی روابط اجتماعی نیز بر پایه‌های قانون، عدل، احترام به حقوق و ارزش‌های واقعی انسان استوار می‌گردد.

مهدی موعود(عج) برای برقراری امنیت اجتماعی در آغاز حکومت خود از مردم بیعت می‌گیرد. حضرت علی علیه السلام مفاد این بیعت را چنین برمی‌شمارد: «دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فحش و دشنام ندهند، هتک حرمت نکنند، به‌خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را بدون دلیل نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره (احتکار) نکنند، راهزنی ننمایند، راهی را بی‌امن نکنند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۹/۲۷) امیرمؤمنان علیه السلام شروطی را نیز برای خود می‌گذارد، از جمله اینکه «مانند مردم رفتار کند، از نوع لباس آنها بپوشد، مرکبی همانند آنان سوار شد، به اندک قناعت کند، زمین را از داد پر سازد، خدا را چنان‌که شایسته است عبادت کند و...» (همان)

با توجه به این تدابیر، حکومت مهدوی حکومتی است که دوستی و مهرورزی جای ستیز و دشمنی را می‌گیرد و، حسب روایات، کینه‌ها، اختلاف‌ها و فتنه‌ها از جامعه بشری رخت برمی‌بندد و حتی از عالم حیوانات و جانوران نیز عوامل نزاع ناپدید می‌شود (ربک. ری شهری، ۱۳۷۵: ۶۰۸ - ۶۴۰). قرآن کریم، براساس وعده

تخلف ناپذیر الهی، از پدید آمدن جامعه‌ای امن خبر می‌دهد که از ترس، اضطراب و آنچه آرامش و امنیت افراد و جوامع انسانی را برهم می‌زند، تهی است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ. (نور؛ ۵۵)

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند وعده فرموده است که آنها را در زمین خلافت دهد، همچنان‌که پیشینیان را جانشین گرداند و [علاوه بر این،] دینشان را که برایشان پسندیده، برای آنها استوار سازد و، سپس خوفشان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌سازد، [آن‌گونه] که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و آنان که بعد از این کافر شوند، به حقیقت همان فاسقان‌اند.

این آیه مبارکه تأمین امنیت جهانی در آرمانشهر مهدوی را حتمی و گریزناپذیر می‌شمارد. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریف فرمود: «این آیه درباره قائم و اصحابش نازل شده است.» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۵۲/۷)

در دوران ظهور منجی موعود، جهان به حدی از امنیت می‌رسد که به نقل احادیث: «راه‌ها امن می‌شود تا جایی که زنی به تنهایی راه عراق و شام را می‌پیماید؛ در حالی که او در چمن‌زارها و با زینت‌های خود قدم می‌گذارد، هیچ حیوانی مزاحمش نمی‌شود و او از هیچ چیز نمی‌ترسد.» (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۷۴) یا «پیرزن ناتوانی از شرق تا غرب می‌رود و کسی به او آسیب نمی‌رساند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۶۴۰)

در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، انسان به بالاترین درجه از امنیت

می‌رسد، نه در جامعه و محدوده‌ای خاص بلکه به صورت فرامرزی و جهانی، چراکه نصوص ترسیم‌کننده سیمای امنیت در آرمانشهر مهدوی، همزمان، بر دو ویژگی کامل بودن و همه‌جانبه بودن، و گستردگی و فراخنایی جهان‌شمول امنیت در جامعه تأکید ورزیده‌اند.

از دیگر برکات دولت مهدوی بازگشت هر حق به صاحب آن است. بازگرداندن حق به صاحبش از حقوق اجتماعی است که عملی کردن آن از مصادیق عدالت اجتماعی شمرده می‌شود. در آن دوران، استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و قضاوت‌ها بدون خطا و اشتباه است و همین مسئله به محو منازعات و کینه‌ها و تثبیت آرامش و امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد.

از امام صادق علیه السلام روایت است: «آنگاه که قائم قیام می‌کند، به عدل حکم می‌راند و در زمان او ستم رخت برمی‌بندد ... و هر حقی به صاحب آن می‌رسد.» (همان: ۳۳۹) حضرت در این حدیث مفهوم امنیت اجتماعی را به طور دقیق توضیح می‌دهد و اشاره می‌کند که امنیت واقعی وقتی بر جهان پرتو می‌افکند که هیچ قدرت، مقام و فردی در هر طبقه اجتماعی مانع ادا و اظهار حق نگردد. این آرمان والا وقتی تحقق می‌یابد که اثری از طبقات سلطه‌گر و زورمند نباشد و حکومت عدالت‌گستر مهدوی در زمین تحقق یافته باشد. (همان: ۳۳۹-۳۴۰)

از آنجاکه در استقرار جامعه موعود کرامت الهی و دست‌اعجاز ولی خدا نقش اساسی دارد، زمینه ظلم و تعدی به حقوق دیگران نیز به صورت کلان و در تمام ساختارهای اجتماعی از بین می‌رود. اگر در مراعات جزئی و به صورت خرد هم مسئله‌ای باشد، عدالت به تمام معنا در مناسبات حقوقی و قضایی حاکم است.

داوری و قضاوت در جامعه موعود از هرگونه خطا و اشتباه و جانبداری پیراسته است، چراکه شیوه قضاوت در حکومت مهدوی به شیوه پیامبران و براساس متن واقعیت و حقیقت است، نه براساس شاهد و بینه و قراین. (مجتهدی سیستمی، ۱۳۸۵: ۶۰)

در روایتی از امام صادق علیه السلام شیوه قضاوت عصر ظهور این گونه بیان شده است:

زمانی که قائم آل محمد علیه السلام به پاخیزد، در میان مردم به حکم داود قضاوت خواهد کرد، او به بینه و شاهد نیازی نخواهد داشت، زیرا خداوند تعالی امور را به وی الهام می کند و او برپایه دانش خود داوری می کند و هر قومی را به آنچه پنهان داشته اند آگاه می سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۹/۵۲ و ۳۳۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۶۸/۱۸)

عدالت و پیشرفت اقتصادی

عدالت اقتصادی مهم ترین شاخص در یک دولت کرامت محور است. عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه امکانات مادی، رفاهی، معیشتی و خدماتی جامعه و تلاش برای از بین بردن فقر و فساد مالی است. از دیرباز، یکی از آرمان های بشر تحقق عدالت اقتصادی و برخورداری همگان از موهبت های مادی و بهبود کمی و کیفی زندگی بوده است؛ برقراری عدالت اجتماعی به توسعه و بهبود کمی و کیفی در امور اقتصادی می انجامد. اصل اولیه در حکومت جهانی مهدوی توسعه عدالت و از بین بردن زمینه ظلم و تعدی چپاولگران اقتصادی است. اندیشه دینی ثروت و داشته های طبیعی را برآورنده نیاز افراد انسانی و جوامع بشری می داند و تقسیم انسان ها و ملت ها به فقیر و ثروتمند را برابری تولید و

توزیع نابرابر و غیر عادلانه ثروتهای مادی و طبیعی قلمداد می‌کند. این کاستی در حکومت عصر ظهور از میان می‌رود. در نتیجه، همه انسان‌ها به رفاه و آسایش مطلوب دست می‌یابند.

در آرمانشهر مهدوی، شاهد شکوفایی اقتصادی هستیم، به طوری که شکاف عمیق فقیر و غنی از میان برداشته می‌شود و مردم در پناه حکومت مهدوی آن قدر بی‌نیاز و غنی می‌گردند که دیگر خلأ مالی وجود ندارد تا با زکات و صدقات و مانند آن پر شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگام قیام قائم ما، زمین با نور خدایی بدرخشد... و شما به جستجوی فردی برآید که مال یا زکات بگیرد، ولی کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند.
مردمان همه به فضل الهی بی‌نیاز می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۳۳۷)

در نظام اقتصادی حضرت مهدی (عج)، به دلیل پیوند میان اخلاق و اقتصاد و به سبب رشد اخلاقی و معنوی جامعه، مردم به غنای روحی و اخلاقی می‌رسند که این غنای روحی سبب کاهش آزمندی و دنیاخواهی می‌گردد. از این رو، از دنیا به اندازه کفاف می‌طلبند و هرگونه زیاده‌طلبی از زندگی مردم رخت برمی‌بندد و، در نتیجه، مردم حتی در انجام دادن معاملات از یکدیگر سود نمی‌گیرند. (سبحانی، ۱۳۸۲: ۹)

در واقع، در مدینه فاضله مهدوی، بشر علاوه بر بی‌نیازی ظاهری که بر اثر توزیع عادلانه ثروت به دست می‌آید، از نظر روحی و باطنی به بی‌نیازی می‌رسد. به دیگر سخن، قبل از اینکه اقتصاد او رشد کند و توسعه یابد، ارزش‌های او عوض می‌شود و ریشه‌دار می‌گردد و برخوردار از نعمت‌های دنیا نیز رنگ الهی و ارزشی به خود می‌گیرد. (ر.ک. معجم الاحادیث الامام‌المهدی، ۱۴۱۱: ۱/۲۴۰)

پرهیزگاری، پایبندی به اخلاق و عمل به دستورهای الهی در امور اقتصادی خود عامل بی‌نیازی مردم در حکومت امام مهدی (عج) می‌شود، زیرا در این صورت، طبق آموزه‌های وحیانی، وعده خداوند درباره نزول برکات آسمان و زمین محقق می‌گردد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

(اعراف: ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشودیم.

در حکومت مهدوی، به دلیل شکوفایی دینی و معنوی و رعایت کامل قوانین الهی، نعمت‌های آسمان و زمین بر مردم فزونی می‌یابد و مواهب طبیعی و معادن بر مؤمنان رخ می‌نماید. (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۵۱)

در دکتورین اقتصادی حضرت مهدی (عج)، بر رفاه اقتصادی و برخورداری مردم از امکانات تأکید شده و دولت موظف به ایجاد رفاه شده است. در روایات آمده است:

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی چنان نبوده است؛ سرتاسر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آن دریغ ندارد؛ اموال انبوه می‌شود؛ هر کس نزد مهدی آید و درخواست کمک مالی کند بی‌درنگ به او کمک می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱، ۷۸ و ۸۱)

برای ما، این زندگی متعالی و آرمانی و با رفاه اقتصادی تا این پایه، در دنیای سراسر ظلم طبقاتی و سرشار از تضاد بر سر منافع و روابط ظالمانه استثماری، بسان وهم و تخیل است که اگر وعده‌های صریح و قطعی کتاب و سنت نبود، نمی‌توانستیم بدان ایمان و باور داشته باشیم. همان‌گونه که گذشت، امامان

معصوم عليه السلام در روایات فراوان دورنمایی روشن و امیدبخش از رفاه همگانی در حکومت مهدوی را ترسیم نموده‌اند. اهتمام روایات بر رفاه اقتصادی جامعه مهدوی گویای تحقق حتمی آن است، زیرا جامعه‌ای که تعالیم روح بخش اسلام ناب به طور کامل اجرا گردد هیچ‌گاه فقیر و عقب‌مانده نخواهد بود.

عدالت و پیشرفت سیاسی

در مدینه فاضله مهدوی، حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن شباهتی با حکومت‌های موجود عالم ندارد. نظام سیاسی مدینه فاضله مهدوی، ولایی و مبتنی بر مشروعیت الهی است. مبانی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) همان مبانی حکومت امیرالمؤمنین عليه السلام در کوفه و پیامبر صلى الله عليه وآله در مدینه و دیگر پیامبران الهی است (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۱/۵۲) همه آنها خواسته مشترکی داشتند و آن هدایت بشر از تاریکی به نورانیت بود. (بقره: ۲۸۵) نوع حکومت مهدوی الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص، و برای متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها و برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده و، در نهایت، برقرار کردن توحید کلمه است؛ حاکم آن نیز احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و الهی به‌شمار می‌آید.

این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود و، بی‌گمان، آرزوی دیرینه بشری است. (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۷۷)

در ادامه، به برخی ویژگی‌های سیاسی و دینی حکومت امام مهدی (عج) اشاره می‌کنیم.

۱. تشکیل حکومت دادپیشه واحد جهانی

از شاخص‌ترین ویژگی‌های مدینه فاضله حضرت مهدی، تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. (همان: ۲۰۵) در دکترین سیاسی حکومت مهدی، رسیدن جامعه بشری به مرحله تشکیل امت واحد و حکومت واحد جهانی جزء مقولات اصلی به‌شمار می‌آید. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) تمام دنیا را مسح می‌کند و همه را تحت اختیار خویش قرار می‌دهد. (همان: ۱۶۱-۱۶۴) در این حکومت واحد جهانی، برقراری عدل و داد و تحقق بخشیدن به آرمان والا و الهی پیامبران در شمار مهم‌ترین اصول و راهبردهاست.

بخش بزرگ تضادها، ستیزها و استکبارها در قلمرو جوامع بشری از حکومت‌های جور و درون کاخ‌های ستم سرچشمه می‌گیرد و به دست آلوده و نیرنگ‌باز دولت‌ها و حکومت‌های سلطه‌گر گسترش می‌یابد. جز این نیست که توده‌های مردم و افراد نوع انسانی براساس انسان‌شناسی واقع‌بینانه و حقیقت‌نمایی دینی و اسلامی به هم‌نوعان خویش گرایش‌های سرشتی و طبیعی دارند. دوستی و مهرورزی و عطوفت به یکدیگر که در نهاد و جان آدمیان نهفته است جنگ و تنازع را برنمی‌تابد؛ پرخاشگری‌ها و خونریزی‌ها با تحریک دولت‌ها و به دست حاکمان و ستمگران انجام می‌گیرد، که برای گسترش قدرت و استوارسازی بیشتر پایه‌های حکومت خود تضاد و درگیری پدید می‌آورند. از همین رهگذر، صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی درمان دردهای جامعه بشری و برطرف شدن تضادها، استثمارها، استبدادها و استعمارها و فاصله‌های ناهنجار کشورها و انسان‌ها را در برقراری نظام سیاسی یگانه جهانی دانسته‌اند، حکومت یگانه‌ای که

از هرگونه جانبداری نژادی، طبقاتی، سمتی، زبانی و آسیب‌هایی از این دست پیراسته باشد و برپایه عدل و برابری بنا شود. (طاهری ۱۳۸۰: ۳۰۱-۳۰۲) این کار ارزشمند در مدینه فاضله مهدوی تحقق می‌پذیرد.

با ایجاد مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه جوامع و نژادها و منطقه‌ها، عامل اصلی تضاد، جنگ و ستم نابود می‌شود و انسان‌ها بی‌بیم از فشار سیاست‌ها به آغوش هم بازمی‌گردند و مهربان و برادروار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. در نیک‌شهر مهدوی، با ایجاد حاکمیت یگانه و تکامل عقول مردم، کنش‌های سیاسی - اجتماعی - نیز که براساس جهل و رقابتهای ناسالم به تعارض تبدیل شده - جای خود را به همکاری و تبادل عقلانیت در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌دهد و ریشه منازعات بی‌حاصل سیاسی و کنش‌های نادرست و نامعقول از جامعه برطرف می‌گردد. پس، حکومت امام مهدی (عج) حکومتی است یگانه و جهانی، همراه تحقق آرمان‌های والا و الهی.

پیامبر اکرم ﷺ، با سوگند محکم، تشکیل سازمان سیاسی یگانه جهانی به وسیله مصلح موعود را به انسان‌های رنجور از نزاع‌ها و ستیزها نوید می‌دهد:

وَأَلَدِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَكُمْ يَبْقَى مِنَ الدُّنْيَا إِلَيَّ يَوْمٌ وَاحِدٌ يَطْوِلُ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجُ فِيهِ وَلَدِي ... وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بُنُورَهُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ.

(ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۸۰)

سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز نماند، خداوند آن روز را می‌گستراند تا فرزندم مهدی قیام کند ... و پهنه زمین به نور او روشن می‌شود و حکومت او شرق و غرب گیتی را فرا می‌گیرد.

۲. آیین واحد جهانی

برای تشکیل جامعه واحد و امت واحده، جهانی‌بینی واحد و اعتقاد واحد

ضروری است، چون جهان بینی و اعتقاد زیربنای تفکر اجتماعی و روابط انسانی است.

طبق آموزه‌های وحیانی، در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) اسلام تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود. (توبه: ۳۳) در آن زمان، دین و سیاست تفکیک ناپذیرند بلکه سیاست و حکومت در خدمت دین و اهداف متعالی آن خواهد بود. آن حضرت علیه السلام وحدت واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد و، طبق آن اصول، همه انسان‌ها را زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می‌آورد. (حکیمی، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰)

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

قَوْلُهُ يَا مُفَضَّلُ! لِيُرْفَعَ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ، وَ يَكُونُ الدِّينُ كَلْمَةً وَاحِدًا.
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۵۳)

به خدا سوگند، ای مفضل! امام قائم (عج) از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را برمی‌دارد و دینی واحد را بر همه حاکم می‌گرداند.

بر اساس روایات، امام زمان (عج) همه مردم - اعم از موحدان و غیرموحدان و پیروان ادیان دیگر - را به پیروی از اسلام و تعالیم نجاتبخش آن فرا می‌خواند، ولی این به معنای اجبار عقیدتی آنها به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست. محور کار حضرت هدایت بشریت است. حضرت مهدی (عج) نسخ اصلی و عاری از تحریف زبور، تورات و انجیل را عیان کرده، براساس این نسخ با اهل کتاب محاجه می‌کند تا ایشان را به دین اسلام هدایت کند. (همان: ۲۲۸/۲)

حکومت مهدوی مبتنی بر آموزه‌های دینی خواهد بود؛ با پذیرش اسلام از سوی همه مردم و عالمگیر شدن آن دیگر هیچ مرزی میان آنان نخواهد بود. از

این رو، گستره سیاسی حکومت حضرت مهدی (عج) به مرزهای ملی محدود نیست. آنگاه، انسان‌ها دغدغه‌های مشترکی خواهند داشت و در سختی‌ها و ناملایمات در کنار هم خواهند بود. از آن پس، زندگی سیاسی به کسب منافع جمعی یا نژادی و حتی ملی معطوف نیست، بلکه سعادت بشر و صلاح و اصلاح همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. خدا و احکام او محور این جامعه به‌شمار می‌آید و تعالیم اسلامی و کتاب خدا مبنای اداره آرمان‌شهر مهدوی خواهد بود. (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۳۸)

۳. حاکمیت کارگزاران صالح

در مدینه فاضله مهدوی، حضرت مهدی (عج) مظهر انسان کامل بر رأس حکومت خواهد بود و در نظام حکومتی او، حاکمیت متعلق به صالحان است، چنان‌که در قرآن آمده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.

(انبیاء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

ابن کثیر در تفسیر خود (تفسیر القرآن العظیم) می‌نویسد: «خداوند در این آیه شریفه به بندگان صالح خود بشارت می‌دهد که در دنیا و آخرت آنان را سعادت‌مند و وارث زمین گرداند». (ابن کثیر، ۱۳۸۹: ۲/۵۲۴)

از این آیه برمی‌آید که دولت جهانی و فراگیر مهدوی دولت شایستگان خواهد بود و جامعه زمان آن حضرت آکنده از صلاح و نیکی، و امور آن در دست صالحان و نیکان خواهد بود. کارگزاران حکومت حضرت مهدی (عج) افرادی‌اند که روحشان با ترس از خدا و تعهد در برابر اجرای احکام خدا عجین شده، از

قید امیال و گرایش‌های نفسانی آزادند. صلاحیت کارگزاران و مشی عادلانه آنها موجب پیوند ناگسستنی توده‌های انسانی با پیشوا می‌شود و این پیوند فداکاری‌های بزرگ و ایثارهای وصف‌ناشدنی را رقم می‌زند و زمینه‌وارگونی بنیاد ستم‌ها و بیدادگری‌های فردی و اجتماعی طاغوتیان را در همه زمینه‌های زندگی فراهم می‌آورد، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۴. مقابله با مستکبران

در دکترین سیاسی حضرت مهدی (عج)، کسانی دشمن به حساب می‌آیند که برای تحقق اهداف حکومت مانع و مشکل ایجاد کنند. برخورد حضرت در برابر چنین افرادی که همان مستکبران عالم هستند قاطع و صریح و، بنا به نقل امام صادق علیه السلام همراه با قهر و غلبه است. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۵۷/۱۲) ایشان تمامی مستکبران را از اریکه قدرت به زیر خواهد کشید (مفاتیح الجنان: دعای ندبه) و به جای آن مستضعفان را روی زمین حاکم می‌کند تا وعده الهی تحقق یابد. (قصص: ۵)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آگاه باشید فردایی که هیچ شناختی از آن ندارید زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد ... او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده‌اند زنده می‌کند.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸)

۵. مشارکت سیاسی مردم

در حکومت حضرت مهدی، زمینه‌های مشارکت واقعی شهروندان در تمام امور سیاسی پدیدار می‌شود. در گام اول هر فردی بر مبنای مکانیسم «معرفت امام

عصر» در هر لحظه از زندگی خویش رهبری سیاسی - الهی جامعه را شناسایی می‌کند و، ضمن بیعت با ایشان، در تشکیل نظام سیاسی مورد نظر سهیم می‌گردد. در مرحله بعد، مکانیسم نظارتی «امر به معروف و نهی از منکر»، که در آرمانشهر مهدوی به واسطه تربیت عملکرد نظامی سیاسی است و مشارکت تک تک افراد جامعه را به صورت مؤثر و قدم به قدم تداوم می‌بخشد. «در چنین جامعه‌ای، مشارکت سیاسی، فعال و متعهدانه است که افراد با آگاهی و مسئولیت اجتماعی در فرایند سیاسی مشارکت می‌کنند و ... هر کس وظیفه‌ای دینی دارد که ضمن تلاش برای ترویج شعائر الهی و جلوگیری از مفاسد، با بیعت با امام عادل و معصوم در زندگی سیاسی مشارکت کند». (بهرز لک، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۱۰)

عدالت و پیشرفت فرهنگی

توجه به امور فرهنگی، علمی و اخلاقی شاخص دیگر جامعه برتر منجی موعود و در شمار مهم‌ترین اصول و راهبرد دولت ایشان است. از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و اعتلای فرهنگی و آموزشی برای آحاد جامعه است. چون هدف از آفرینش انسان رشد موزون و همه جانبه عقلانیت و معرفت است، باید روزی این هدف تحقق یابد و دوران دانش‌های راستین و دستیابی همه انسان‌ها به نادانسته‌ها فرا برسد. از این رو، در دوران ظهور - که روزگار تحقق همه آرمان‌های انسانی و الهی است - شناخت انسان به کمال نهایی می‌رسد و بشر در ابعاد گوناگون دانایی از خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی عروج لازم را می‌یابد. امام مهدی (عج) در روزگار ظهور خود از حقایق گسترده هستی پرده برمی‌دارد و مردمان را به دانش‌های ژرف و یقینی و شناخت‌های ناب و همه‌بعدی هدایت می‌کند.

انقلاب فرهنگی مهدوی سیاهی و جهل و گمراهی را به هدایت و روشنایی و علم بدل می‌سازد. در حکومت حضرت مهدی (عج)، همه - به مقتضای توانایی خود - از دانش و معرفت خوشه می‌چینند و حکمت‌ها را می‌آموزند تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضایل اخلاقی سردهند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۴/۵۲)

در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام در مورد رشد خرد بندگان خدا آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بَيْنَهُمْ

أَخْلَاقَهُمْ. (همان: ۳۲۸/۵۲)

آنگاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سرهای بندگان قرار می‌دهد و

بدین وسیله، عقول بندگان را جمع می‌کند و خردهای آنها را به کمال می‌رساند.

تکامل عقلانی و سرشاری ظرفیت انسان‌ها از دانسته‌ها و آگاهی‌های دنیایی و معنوی در عصر درخشان مهدوی به مردان اختصاص ندارد. زنان نیز در آن دوران سعادت‌بار به پایگاه ارجمند علمی می‌رسند و عالمان و فقیهان والامرتبت در طبقه زنان پدید می‌آیند، بدان حد که می‌توانند در خانه‌های خود با قانون قرآن و آیین اسلام به قضاوت بنشینند.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

... تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بَكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ

رَسُولِ اللَّهِ. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۳۷)

در دوران او شما از حکمت برخوردار می‌شوید، تا آنجا که یک زن در خانه

خود برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر قضاوت کند.

در دوران ظهور، علم و تکنولوژی دچار تحولاتی عظیم می‌شود که تا آن زمان

سابقه نداشته است. بنابر احادیث فراوان، در آن روزگار، حضرت مهدی (عج) با

رهنمودهای خود به افزایش دانش عمومی جامعه یاری می‌رساند. (طبرسی نوری، بی تا: ۱۲۰-۱۲۱)

از امام صادق علیه السلام روایت است:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعٌ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ، وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبَيَّنَّا سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۶/۵۲)

علم و دانایی از ۲۷ حرف تشکیل می‌شود. تمام آنچه پیامبران [تا کنون] آورده‌اند دو حرف است و مردمان بیش از این دو حرف نشناخته‌اند. آنگاه که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار و میان مردم منتشر کند و آن دو حرف را [نیز] بدانها ضمیمه سازد تا ۲۷ حرف را گسترش داده باشد.

احیای دین مهم‌ترین شاخص تحول فرهنگی مدینه فاضله مهدوی است. یکی از برنامه‌های اصلی حکومت حضرت مهدی (عج) «تعمیق فرهنگ دینی» است که در رأس برنامه فرهنگی دولت ایشان قرار دارد؛ دولت مهدوی دولت شکوفایی فرهنگی است و احیای دین از مهم‌ترین شاخص‌های رشد فرهنگی در عصر ظهور به‌شمار می‌آید. در این حکومت، مردم با رسیدن به رشد عقلی و تعمیق فرهنگ دینی میان آنها عمل به احکام دین مبین اسلام را مهم‌ترین عامل رشد و توسعه می‌دانند.

از دیگر کارکردهای اساسی فرهنگی در دکتترین مهدویت زدودن ناخالصی‌ها و خرافات از دین اسلام و معرفی چهره حقیقی اسلام به مردم است. خرافه‌زدایی و پیراستن دین از مسائل غیرحقیقی به حدی چهره دین اسلام را تغییر می‌دهد که مردم گمان می‌کنند حضرت قائم (عج) دین جدیدی آورده است:

اذا قام القائم (عج) استأنف دعاءً جديداً. (معجم الاحاديث الامام المهدي،

۱۴۱: ۴/۵۲)

زمانی که قائم قیام کند، دعوت جدیدی را بنیان می‌نهد [چنان که پیامبر مردم را خواند].

اذا قام القائم (عج) دعا الناس إلى الاسلام جديداً و هداهم إلى امر قد دثر فضل عنه الجمهور. (همان: ۵۱)

زمانی که قائم قیام کند، مردم را دوباره به اسلام فراخواند و آنها را به چیزی راهنمایی خواهد کرد که مهجور گشته است و مردم از آن گمراه شده‌اند.

يصنع كما صنع رسول الله ﷺ يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله ﷺ أمر الجاهلية و يستأنف الاسلام جديداً. (همان: ۵۱/۴)

کاری را انجام می‌دهد که رسول خدا ﷺ انجام داد و آنچه را قبل از آن پدید آمده است خراب می‌کند - چنان که رسول خدا ﷺ فرهنگ جاهلیت را خراب کرد - و اسلام را از نو بنا می‌کند.

منظور از «امر نو» دین جدید نیست؛ ایشان احکامی می‌آورد که موضوع آنها در عصر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام وجود نداشته است. برخی از احکامی که به مسلمانان ابلاغ شد ولی گذشت زمان و اعمال نظرهای شخصی آنها را تغییر داده است، با ظهور آن حضرت اصلاح می‌شود و موانع دستیابی به احکام حقیقی از سر راه برداشته می‌شود. افزون بر آن، احکام ظاهری باطل می‌شود و مردم به احکام واقعی دست می‌یابند.

عظمت اسلام که با مدیریت فرهنگی امام عصر یکبارہ نمایان می‌گردد، چنان جلوه‌ای از دین الهی به نمایش می‌گذارد که در سراسر جهان با استقبال بی‌نظیری مواجه می‌گردد. در حکومت مهدوی، مردم به گونه‌ای بی‌سابقه به اسلام روی

آورند و روزگار خفقان و سرکوب دینداران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سرآمده، در همه جا آوای اسلام طنین انداز است و آثار مذهب تجلی می کند ... در چنین شرایطی، طبعاً استقبال و پذیرش مردم و شعارهای دینی بی سابقه خواهد بود. استقبال مردم از آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه چشمگیر خواهد شد. (اربلی، ۱۴۰۱: ۲۰۸/۳)

همچنین، در مدینه فاضله مهدوی به مساجد که اصلی ترین و سالم ترین پایگاه های فرهنگ سازی در حکومت حضرت مهدی (عج) است توجه و عنایت خاص می شود. از این رو، براساس روایات وارده، اصلاح مساجد جزء برنامه های فرهنگی حضرت است و با هرگونه بدعت در امر ساخت و ساز مساجد مبارزه می شود. (طیبی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

نتیجه گیری

از این نوشتار نتایج زیر حاصل می شود:

آیات و روایات متعددی از قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام بر جهان شمولی عدالت مهدوی دلالت دارد؛ جهان با همه وسعتش در دایره حاکمیت مرکزی عدل مهدی موعود قرار خواهد گرفت و حکومت اسلامی در منطقه ای خاصی محدود نخواهد بود.

در حکومت حضرت مهدی (عج)، در همه حوزه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... شاهد اجرای عدالت هستیم و پیشرفت جامعه نیز همه جانبه و در همه ابعاد خواهد بود. در حوزه اجتماعی، ایجاد امنیت، رفع و زدودن کینه ها و اختلاف ها حفظ و رعایت حقوق فردی و اجتماعی از ثمرات دولت امام مهدی (عج) می باشد. در حوزه اقتصادی، ایجاد رفاه و آسایش

عمومی، توزیع عادلانه ثروت، نزول برکات آسمانی و نعمات الهی، رونق کشاورزی، پیوند میان اخلاق و اقتصاد همراه با رشد اخلاقی و معنوی جامعه و، در نهایت، رفع فاصله طبقاتی حاصل خواهد شد. در حوزه سیاسی، تشکیل حکومت فراگیر واحد جهانی، برقراری عدل و داد در سرتاسر قلمرو حکومتی ایشان، حاکمیت کارگزاران صالح، مقابله با مستکبران، برقراری دین و آیین واحد جهانی (اسلام) و مشارکت سیاسی شهروندان تحقق خواهد یافت. در حوزه فرهنگی، امکان رشد و اعتلای علمی و آموزشی برای آحاد جامعه، رشد علم و دانش بشری، تکامل عقول انسان‌ها، تعمیق فرهنگ دینی و نشر اسلام حقیقی پدیدار خواهد شد.

عدالت و پیشرفت در جامعه موعود عدالتی است فراگیر که نه تنها در درون جوامع انسانی جاری می‌شود بلکه گستره آن تمامی موجودات جهان از جمله گیاهان و حیوانات را دربرمی‌گیرد. چنین عدالتی که شعاعی است از عدالت حضرت حق، به گونه‌ای زیبا و فرحبخش گسترش می‌یابد که جامعه مهدوی را می‌توان تجلی حیات بهشتی در زمین دانست. در واقع، حیات بهشتی که اوج قرب و چشیدن رضوان الهی است، نمونه‌ای از خود را در مدینه فاضله مهدوی به بشر می‌نمایاند.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۳۸۹). *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)*، بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور الافریقی المصری (بی تا). *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
- اربلی، علی (۱۴۰۱). *کشف النعمه فی معرفه الائمه*، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱). *آرمانشهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نی.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۱). *سیاست و مهدویت*، قم: آینه روشن.
- ترانه‌ای، مجتبی (۱۳۸۳). *موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم: مشهور.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). *نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۳). *وسائل الشیعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۱). *عصر زندگی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- خطیبی، محمد و دیگران (۱۳۸۵). *فرهنگ شیعه*، قم: زمزم هدایت.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*، قم: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی شاکر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- سبحانی، حسن (۱۳۸۲). *مروری بر وجوه اقتصادی حکومت حضرت مهدی*، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (بی تا). *منتخب الاثر*، تهران: مکتبه الصدر.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۸۰). *سیمای آفتاب: سیری در زندگی حضرت مهدی (عج)*، قم: زائر.
- طبرسی نوری، میرزا حسین (بی تا). *نجم الثاقب*، تهران: علمیه اسلامیة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۰). چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عج)، قم: بوستان کتاب.
- مجتهدی سیستانی، سید مرتضی (۱۳۸۵). دولت کریمه امام زمان، قم: الماس.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.
- معجم الاحادیث الامام‌المهدی (۱۴۱۱). ، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مور، تامس (۱۳۶۱). آرمان‌شهر (یوتوپیا). ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۰). «بررسی محک‌های پیشرفت مطلوب از منظر شاخص‌های عدالت: نسبت‌سنجی پیشرفت با رویکرد عدالت»، خردنامه همشهری، ش ۷۵.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۴۲۲). الغیبه، قم: انوارالمهدی.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۹۱). «پست مدرنیسم و تاریخ‌نگاری»، تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- Fukuyama, Francis (1992). The End of History and the Last Man, London: Hamish Hamilton.
- Nasr, Seyyed Hosein (1987). Traditional Islam in The Modern World, London / New York: KPI.